

تحمیلی را بازگو می‌کند و از سویی در برخی لحظات شوخی‌های خوبی بخصوص در برگردان زبان فارسی به انگلیسی و بالعکس دارد، عملاً به وصله ناجور و ایده در نیامده فیلم تبدیل شده تا نخستین تجربه کارگردانی آذرنگ با وجود شخصیت‌های جذاب، ریتم و کارگردانی خوب در نیمه نخست فیلم، فضا سازی و جزئیات زندگی مردم بومی آبادان به جهت همین ایده دوپاره و فضای ناموفق سوررئال تجربه‌ای ناهمگون و به بار ننشسته تبدیل شود.

منصور

رجوع به تاریخ معاصر و دستمایه قرار دادن شخصیت‌های اسطوره‌ای برای خلق قهرمان در سینمایی که همیشه از کمبود قهرمان رنج می‌برده، به طور قطع از پیش نیازها و حلقه‌های مفقوده سینمای یکنواخت آوار تمانی و کمدی‌های کلیشه‌ای ایران محسوب می‌شود اما نوع مواجهه و پرداخت اثر هنری مساله مهم دیگری است که نباید به این بهانه مغفول واقع شود. داستان رشادت‌ها، جسارت‌ها و تلاش‌های شخصیت مهمی همچون شهید منصور ستاری، هم به نوعی احیای تاریخ معاصر به شمار می‌آید هم با ساخت قهرمان سمپات و ایروانی می‌تواند برای تماشاگر جذاب باشد اما مشکل فیلم‌های بیوگرافیک که در این فیلم نیز شاهد آن هستیم عدم دقت و وسواس بر روی شخصیت پردازی و انسجام و پرداخت داستانی است،

روزگاری آبادان در لحظاتی سوررئال و علمی و تخیلی و در لحظات دیگر تراژیک یا کمیک شده در حالی که فیلم در بستر ملودرام قرار است سر نوشت یک خانواده در آبادان را روایت کند. داستان و فضا سازی دوپاره عمدتاً به فیلم‌های سینمای ایران ضربه زده و در این فیلم به دلیل تفاوت فراوان فضای سوررئال و رئال و زمان بالا و مشخص نبودن مرز این دو سبک روایی تا انتهای فیلم، این آسیب دوچندان شده است.

فیلم قرار است با پرداختن به رویا، مرگ، جهان دیگر و در خلال داستان و زندگی عادی یک خانواده پنج نفره در آبادان از یک سوارش زندگی و خانواده ران نشان دهد، از سویی تحول شخصیت‌ها در مواجهه با سختی‌ها را نمایان سازد و بالاخره به دلیل مشخص نبودن این مرز واقعی و غیر واقعی پایانی متفاوت و مسیری جذاب را پیش روی تماشاگر قرار دهد؛ حال آنکه این دو پارگی در نهایت آنقدر به ساختار فیلم ضربه زده که کارکردی متضاد از جذابیت و تازگی برای فیلم و تماشاگر به بار آورده است.

با وجود درام خوبی که در فیلم وجود دارد و همچنین جزئیات جذاب و شخصیت پردازی باور پذیر خانواده خیری و مصیب، بخش سوررئال فیلم در نیامده و باعث عدم توفیق فیلم شده. ایده بخش سوررئال که باعث تاکید بر مشکلات همیشگی مردم جنگ‌زده جنوب کشور و گرفتاری‌های آن‌ها پس از یک دهه بعد از جنگ



حسام محمودی اما در این شلوغ بازی‌های فیلم دوم صباغ زاده، انتخاب جسورانه‌ای بوده که با اجرای او، به یکی از نقش‌های قابل تحمل فیلم در میان انبوه بازی‌های تصنعی و شخصیت پردازی‌های سطحی بدل شده است.

مخلص کلام اینکه فیلمی که می‌توانست با فیلمنامه‌ای منسجم‌تر و با تکیه بر فضا سازی جذابش، پرفروش و نمونه‌ای قابل توجه در گونه کمتر دیده شده فانتزی در اکران سینماها باشد، با علاقه فیلمساز به ایزودیک کردن و داستاتک‌های بی‌ربط، نتیجه‌ای عکس داشته و بعید است با توجه به گروه تولید نه چندان مطرحش در گیشه نیز موفق باشد

تی تی

تی تی فیلمی به کارگردانی آیدا پناهنده که هر چند در داوری با بی‌انصافی روبرو شد اما در بخش مردمی و میان منتقدان و اهالی رسانه به شدت مورد توجه قرار گرفت و هم کارگردانی آن مورد تحسین قرار گرفت هم بازی درخشان پارسا پیروزفر و الناز شاکر دوست. در میان تیم بازیگری، هوتن شکیبا به عنوان بازیگر مرد مکمل بسیار خوش درخشید و نقشی متفاوت را جلوی دوربین پناهنده برد. انتظار اینکه «تی تی» یکی از فیلم‌های مهم سال ۱۴۰۰ باشد انتظار غریبی نیست چرا که تمام المان‌هایی که موفقیت یک فیلم را تضمین میکند که یقیناً اصلی‌ترین آن فیلمنامه و قصه متفاوت این فیلم است. فیلمنامه‌ای که موضوعی خاص داشت و پرداخت جذاب به آن زیبایی‌اش را پیش چشم بیننده بیشتر می‌کرد. اما یک پارسا پیروزفر بسیار پخته در بازی و به موقع در اکت و خوش‌گو در دیالوگ، و ویژگی دوست داشتنی این فیلم محسوب می‌شود که یقیناً در اکران یکی از شاخصه‌های اصلی انتخاب برای تماشا است.

روزی روزگاری آبادان

حمیدرضا آذرنگ بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون در نخستین تجربه کارگردانی‌اش در سینما، گویا خواسته نبود تنوع ژانر در سینمای را به رخ بکشد، چنانکه روزی

